

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 1386/11/30

اثبات ولایت امیر المؤمنین (ع) از آیه ولایت (55 سوره مائده) :

یکی از بحث هایی که ضروری است و باید روی آن بحث شود، استدلال بر آیه ولایت است در سوره مائده آیه 55.

شیخ طوسی (رضوان الله تعالی علیه) می فرماید:

فَأَقْوَى مَا يَدُلُّ عَلَى وِلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَوْلُهُ تَعَالَى: **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ.**

قوی ترین دلیلی که بر ولایت آقا امیرالمؤمنین (علیه السلام) دلالت دارد این آیه است. (جز این نیست که ولی شما خداست و رسول او و مؤمنانی که نماز می خوانند و هم چنان که در رکوعند انفاق می کنند»

تعبیر دیگری دارد و می گوید استدلال بر این آیه، مبتنی بر دو چیز است: یکی مراد از لفظ «ولیکم» در آیه به معنای ولی امر است نه ناصر، کسی که قیام می کند برای امور مؤمنین و کسی که اطاعتش بر تمام مؤمنین واجب است و دوم این که مراد از «الذین آمنوا»، آقا امیرالمؤمنین علیه السلام است.

و في ثبوت هذين الوصفين، دلالة علي كونه عليه السلام، إماما لنا.

در اثبات این دو وصف دلالتی بر این است که علی علیه السلام امام ماست.

الشافی فی الإمامة، ج 2، ص 218.

در حدیث غدیر شاید بگویند که «مولی» چند معنا دارد؛ در حدیث منزلت شاید بگویند که منحصر بوده به جنگ تبوک؛ در سوره مباحله شاید بگویند که رسول اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) خواست نزدیک ترین افراد را ببرد تا عواطف و احساسات نصاری نجران را تحریک کند؛ در آیه تطهیر شاید بگویند که زنان رسول اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) هم داخل هستند؛ ولی در آیه ولایت هیچ راه گریزی ندارند و یا باید در دلالت کلمه «ولی» تشکیک کنند و یا «الذین آمنوا» و حال آن که ما در هر دو قسمت قرینه و دلیل کافی و محکمه پسند داریم که هم کلمه «ولی» در اینجا به معنای اولی الامر و قیام به امور و هم مراد از «الذین آمنوا»، امیرالمؤمنین علیه السلام است.

در رابطه با آن که مراد از «الذین آمنوا» آقا امیرالمؤمنین علیه السلام است، روایات متعدد داریم که اگر کسی هم ادعای تواتر بکند، حرف گزافی نزده است. از روایات متعدد داریم بر این که مراد از «الذین آمنوا» در این آیه آقا امیرالمؤمنین علیه السلام است و لا غیر.

روایت از خود امیرالمؤمنین علیه السلام است که در مصادر متعدد اهل سنت آمده است.

معرفة علوم حدیث حاکم نیشابوری، ص 102 - مناقب خوارزمی، ص 266 - کنز العمال متقی هندی، ج 13، ص 165 - تاریخ دمشق، ج 42، ص 356 - البدایة و النهایة، ج 7، ص 394.

و همچنین روایت از ابن عباس است که مراد از «الذین آمنوا» در آیه، امیرالمؤمنین علیه السلام است.

انساب الأشراف بلاذری، ص 150 - اسباب النزول واحدی نیشابوری، ص 133 - کنز العمال متقی هندی، ج 13، ص 108.

روایت از عمار یاسر است که مراد از «الذین آمنوا» امیرالمؤمنین علیه السلام است.

معجم الاوسط طبراني، ج 6، ص 218 - نظم درر السمطين زرندي حنفي، ص 86.

از سلمة بن كهيل صحابه رسول اكرم صلي الله عليه و آله و سلم نقل شده كه مراد از «الذين آمنوا» اميرالمؤمنين عليه السلام است. هر سه كتاب زير از كتاب هاي معتبر و طراز اول اهل سنت است.

الدرالمنثور سيوطي، ج 2، ص 293 - تفسير ابن كثير، ج 2، ص 73 - البداية و النهاية، ج 4، ص 394.

از مجاهد كه از مفسرين بنام اهل سنت است از سدي و ابو جعفر عتبة بن حكيم نقل کرده اند كه مراد از «الذين آمنوا» اميرالمؤمنين عليه السلام است.

الدرالمنثور سيوطي، ج 2، ص 293 - احكام القرآن جصاص، ج 2، ص 577 - تفسير قرطبي، ج 6، ص 221 - زاد

المسير ابن جوزي، ج 2، ص 292 - تفسير ابن كثير، ج 2، ص 73 - جامع البيان طبري، ج 6، ص 389.

اينها از منابع اصيل اهل سنت نقل کرده اند كه مراد از «الذين آمنوا» اميرالمؤمنين عليه السلام است.

از ميان اين مصادر، تفسير قرطبي، تفسير ابن كثير، البداية و النهاية ابن كثير و تفسير طبري در رتبه اول قرار دارد. در رتبه دوم اين كتاب ها: الدر المنثور سيوطي، احكام القرآن جصاص و أنساب الأشراف بلاذري قرار دارند. در رتبه سوم اين كتاب ها: تاريخ دمشق ابن عساكر، المعجم ألاوسط طبراني و نظم درر السمطين قرار دارد.

در اين كتاب هاي مذکور، ضمن اين كه نويسندگان آنها، روايت را نقل کرده اند بر اين كه مراد از «الذين آمنوا» اميرالمؤمنين عليه السلام است، اكثرًا خودشان هم نظرشان بر اين است كه مراد از «الذين آمنوا» اميرالمؤمنين عليه السلام است.

سيوطي در الدر المنثور تعبيرى زيبا دارد:

وأخرج الطبراني في الأوسط وابن مردويه عن عمار بن ياسر قال : وقف بعلي سائل وهو راعع في صلاة تطوع فنزع خاتمه فاعطاه السائل فأتي رسول الله صلى الله عليه وسلم فاعلمه ذلك فنزلت علي النبي صلى الله عليه وسلم هذه الآية (إنما وليكم الله ورسوله والذين آمنوا الذين يقيمون الصلاة ويؤتون الزكاة وهم راكعون) فقرأ رسول الله صلى الله عليه وسلم علي أصحابه ثم قال : من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه

و أخرج الخطيب (البغدادي) في (الكتاب) المتفق و أخرج عبدالرزاق (استاد بخاري) و عبد بن حميد و ابن جرير و ابوالشيخ و ابن مردويه عن ابن عباس في قوله تعالى: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ...» قال: نزلت في علي بن أبيطالب رضي الله عنه؛ و أخرج الطبراني في الأوسط و ابن مردويه عن عمار بن ياسر، قال: وقف بعلي سائل و هو راعع في صلاة تطوع، فنزع خاتمه و أعطاه السائل؛ فأتي رسول الله (صلي الله عليه و سلم) فأعلمه ذلك، فنزلت علي النبي هذه الآية، فقرأ رسول الله علي أصحابه، ثم قال: «من كنت مولاه فعلي مولاه، ألهم وال من والاه و عاد من عاداه».

سائلي بر اميرالمؤمنين (عليه السلام) وارد شد و او در حال ركوع در نماز مستحبي بود و انگشتر را از دستش درآورد و به سائل داد؛ رسول اكرم (صلي الله عليه و آله و سلم) آمد و از اين قضيه با خبر شد و اين آيه بر رسول اكرم (صلي الله عليه و آله و سلم) نازل شد: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ». سپس اين آيه رسول اكرم (صلي الله عليه و آله و سلم) بر صحابه قرائت كرد و گفت «من كنت مولاه فعلي مولاه».

الدر المنثور، ج 3، ص 105، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي الوفاة: 911، دار النشر: دار الفكر - بيروت - 1993 - تخريج الأحاديث والآثار الواقعة في تفسير الكشاف للزمخشري، ج 1، ص 410، و ج 2، ص

238، اسم المؤلف: جمال الدين عبد الله بن يوسف بن محمد الزيلعي، الوفاة: 762هـ، دار النشر: دار ابن خزيمة -

الرياض - 1414هـ، الطبعة: الأولى، تحقيق: عبد الله بن عبد الرحمن السعد.

پس این حدیث «من كنت مولاہ فعلي مولاہ» منحصر در غدیر نیست و قبل از غدیر، دو مرتبه این حدیث ذکر شده است توسط رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و این در منابع اهل سنت آمده است. يك مورد در هنگام نزول این آیه و دگر بار در قضیه شکایت سپاه یمن بود. امیرالمؤمنین علیه السلام رفته بود به یمن برای دعوت مردم به اسلام و قبل از او خالد بن ولید رفته بود و دست خالی برگشت و نتوانست، ولی امیرالمؤمنین علیه السلام رفت و با کمترین هزینه، عده زیادی از اهل یمن مسلمان شدند به ویژه قبیله همدان که وقتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم این قضیه را شنید سه بار فرمود: «السلام علي همدان» و این قبیله از همان زمان، از مخلصین و دوستداران امیرالمؤمنین علیه السلام شدند. این قضیه باعث شد کینه امیرالمؤمنین علیه السلام در دل بعضی از صحابه از جمله خالد بن ولید و بُریده که از سرشناسان صحابه بودند، شعله ور شد. خالد نامه ای نوشت و توسط بریده فرستاد به مدینه تا از علی علیه السلام شکایت کند. چرا؟ چون وقتی در تقسیم غنائم قرعه انداختند به کنیزکی، به نام علی علیه السلام افتاد و علی علیه السلام در آن کنیز تصرف کرد و در حالی که آب غسل از سر و صورتش می ریخت ظاهر شد و آنها گفتند که این بهترین بهانه ای است که بین رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام شکرآب کنیم. بریده می گوید من آمدم به مدینه و دیدم تعدادی از صحابه درب مسجد نشسته اند، گفتند: یا بریده چه خبر؟ گفت: پیروزی نصیب مسلمانان شد. گفتند: چه باعث شد که زودتر از بقیه آمدی؟ گفت علی علیه السلام در کنیزی تصرف کرده و آمده ام از علی علیه السلام به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شکایت کنم.

گفتند: برو حتما به او خبر بده، چون با این خبر، علي عليه السلام از چشم رسول الله مي افتد. بریده آمد و همین طور داشت این حرف ها را براي مردم نقل مي کرد که رسول اکرم صلي الله عليه و آله و سلم از حجره اش خارج شد در حالي که آثار غضب در صورت رسول اکرم صلي الله عليه و آله و سلم نمایان بود، فرمود: از جان علي عليه السلام چه مي خواهيد؟ علي عليه السلام از من است و من از علي عليه السلام هستم و او ولي تمام مؤمنين بعد از من است. در جاي ديگري دارد که پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم به بریده فرمود: آیا علي عليه السلام را داشمن مي داري؟ گفت: بلي، فرمود: او را دشمن مدار که «من کنت مولاہ فعلي مولاہ». این هم بار دوم بود که رسول اکرم صلي الله عليه و آله و سلم این جمله را گفت و این اتفاق تقريبا سال 8 هجري اتفاق افتاد.